



فردریک فروبل در خانواده‌ای متدین در آلمان به دنیا آمد. او تحت نظر پستالوزی، از مربیان بزرگ عصر خود، بهره برد و به آموزش پرداخت. فروبل را «پدر کودکستان» می‌نامند و «باغچه کودکان» او شهرتی فراگیر دارد. بخشی از آثار او عبارت‌اند از: «پرورش آدمی، بازی مادر و سرودهای پرستار، روش‌های پرورش در کودکستان یا تربیت کودکستانی و تربیت همگام با رشد». فروبل مانند روسو به پاکی سرشت انسان معتقد بود. او بر این باور بود که از آنجا که فعالیت آزاد و شاد از دیدن جهان همچون یک کل بر می‌خیزد، نخستین کار مربی باید گسترش روابط کودک با محیط باشد. فروبل فلسفه آموزشی خود را در عمل بر دو پایه استوار می‌کند: ۱. هدیه‌ها؛ ۲. فعالیت‌ها یا مشغولیت‌ها. فروبل تحت تأثیر تربیت دینی و خانوادگی و فلسفه‌های رایج زمان خود، یعنی ایدئالیسم و رومانسیسم، به نوعی فلسفه وحدت وجودی همه جا خدایی قائل بود. به نظر او جهان تحت تأثیر نیرویی واحد است. فرازهایی برگزیده از سخنان این مربی بزرگ را مرور می‌کنیم:

هر فرد انسانی باید تکامل را از درون خود بخواهد و فعالیت شخصی خود را با قانون ابدی طبیعت هماهنگ کند. یگانه هدف در هر نوع آموزش و پرورش همین است و چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

هر امری از جانب خدا و با مشیت او تنظیم شده است. عنصری الهی که در هر چیزی هست، حقیقت آن را تشکیل می‌دهد. مشی و روش تکامل این است که آن حقیقت درونی کامل شود تا خدا در این شکل‌های گذران تجلی کند. هر کودکی با فکر کردن آن «مفهوم واقعی» را به مرحله کمال برساند.

وظیفه مربی این است که هر چه ممکن است استعداد‌های نهفته دانش‌آموز را بیدار و تقویت کند و از خود او کمک بخواهد، نه اینکه سعی کند به او بدهد و در مغز او فرو کند.

# کار کودک

## بازی

نگاهی به آموزه‌های تربیتی فردریک فروبل  
پدر کودکستان و پیشگام آموزش نوین

سرنوشت و کار تمام چیزها در سراسر زندگی این است که جوهر خود را آشکار کنند.

تربیت عبارت است از راهنمایی بشر به سوی وجودی متفکر، عاقل، خودآگاه، پاک، بی آلاش و نماینده آزاد قانون باطنی وحدت خدایی، و علاوه بر آن تعلیم راه‌ها و روش‌های زندگی به او.

به وسیله تربیت باید جوهر بشر بشکند و آشکار شود، به ضمیر آورده شود و خود بشر نیز به مقام اطاعت آزادانه و آگاهانه از اصل اخلاق خدایی که در درون او وجود دارد، ارتقا یابد و در زندگی خود نماینده مختار این اصل شود.

تربیت باید بشر را راهبری و راهنمایی کند به سوی صفت‌هایی که به خودش و در خودش مربوط است.

هدف مواظبت پدر و مادر در محیط خانه و خانواده این است که نیروها و موهبت‌های طبیعی کودک را بیدار کند، توسعه دهد و تشدید کند و تمام اعضا و جوارح فرد را قادر سازد که نیازمندی‌های نیروها و موهبت‌های کودک را بر آورد.

اگر کودکی با کوشش خود به یک چهارم پاسخ خویش دسترسی پیدا کند، با ارزش تر و مهم تر از آن است که نصف آن را از راه شنیدن و فهمیدن گفته‌های دیگران به دست آورد.

بنابراین، علاج و افعال صحیح خنثا کردن هر تقصیر و حتی شرارتی این است که منشأ خوب و اصلی آن را بیابیم؛ یعنی جنبه خوب و اصلی وجود بشری را که واپس زده و آشفته شده و به سوی تقصیر رهنمون گشته است. سپس این جنبه خوب را مراقبت و تهذیب و آن را

طوری که باید راهبری کنیم. بنابراین، تقصیر سرانجام از بین می‌رود؛ گو اینکه کوششی سخت علیه عادت باشد، نه علیه شرارت ذاتی در بشر، و حصول سریع و مطمئن این امر از این لحاظ است که خود بشر مایل به ترک تقصیر است، زیرا بشر خوبی را بر بدی ترجیح می‌دهد.

کودک - کودک تو، ای پدر - هر جا که باشی، به هر کجا که بروی و هر کاری که بکنی، از تو پیروی می‌کند. او را با خشونت از خود مران. درباره پرسش‌های مکرر او بی‌قراری نشان مده. هر واژه خشن و بیزارکننده جوانه و شاخه‌ای از درخت زندگی او را می‌شکند، ولی در هر حال بدو بیش از آن چیزی نگو که خود او می‌تواند بدون گفته‌های تو آن را بیابد.

ای ملکوت خدا (آدمی)، تو نخست خود را جست و جو کن. این است تحقق روح خدایی در زندگی تو و از راه زندگی تو، و هر چه را که زندگی فانی تو لازم داشته باشد، به درون تو اضافه خواهد شد.

مبدأ هر فعالیت ذهنی در کودک باید نیروزا و صحیح باشد، منشأ آن صاف و روشن و تراونده دائم، مسیرش ساده و معین، هدفش ثابت، روشن، زنده و زندگی بخش، ارتقادهنده، در خور کوشش، در خور سرنوشت و مأموریت بشر و در خور طبیعت اصلی او باشد و وسایل بسط و خودنمایی کامل آن را فراهم کند.

در جمع‌بندی نظرگاه فروبل می‌توان گفت: کودک سازنده، خلاق و ایجادکننده خلق می‌شود و با ساختن و ایجاد کردن روبه‌تکامل می‌رود. به عقیده فروبل، کودک هم به خانواده و هم به جامعه وابسته است. او به بازی کودک، به عنوان بنیادی‌ترین محور تربیت، تأکید کرده و کار او را بازی نامیده است.

تربیت به نظر فروبل به یگانگی خانواده بسته است. مهم‌ترین فضیلت مادر نجابت است، در حالی که وظیفه پدر راهنمایی خردمندانه است.

آموزش باید با بازی (عملی که هدفی و رای خود ندارد) همراه باشد. او معتقد است، یکی از صفات پروردگار صفت خلاقه اوست. خدا خلق می‌کند و مدام عمل خلقت در کار است. چون خدا انسان را به صورت خود آفریده است، ما هم باید مانند خدا «عمل» کنیم. هر کسی که بخواهد به وجود خداوند متعال پی ببرد، باید کار کند.

آرمان‌های فروبل بر ایمان عمیق مذهبی قرار داشت. او می‌گوید، آرمان‌های روحانی غیرقابل توصیف‌اند و فقط باید به شهود در آیند.

به نظر فروبل، تربیت اخلاقی ما با معاشرت تقویت می‌شود. بازی‌ها اهمیت شایانی دارند. وقتی کودکی بازی می‌کند، طبیعت باطنی خود را آشکار می‌سازد و در عین حال زمینه‌های اجتماعی شدن در او رشد می‌کنند. در نگاه فروبل، سرشت و نهاد پاک کودک (آدمی) اساس و بنیان تمامی فعالیت‌های تعلیم و تربیتی است. این سرشت در بردارنده قوانین و احکامی است که امکان نیک‌بختی و سعادت فرد را رقم می‌زنند.

تحول و تکامل هر فرد بر چیزی مبتنی است که در درون او تعبیه شده است و این ذخیره به تنهایی برای هدایت و تربیت کفایت می‌کند.

بیدارسازی و به‌فعلیت رساندن درونیات و استعدادهاى نهفته در وجود کودک، وظیفه اصلی مربی و معلم است و آشکارگی و نمایان‌سازی این ذخیره الهی اصلی‌ترین کار مربیان است. در این میان، فاعلیت و عاملیت کودک حائز اهمیت فراوان است. اوست که تربیت و هدایت خود را فعالانه دنبال می‌کند. در نظرگاه فروبل، خانواده منشأ بسیاری از خیرات و هدایت‌هاست. خانواده یگانه و منسجم، کودکانی خلاق و تربیت‌شده به جامعه ارزانی می‌دارند.

**وظیفه مربی این است که هر چه ممکن است استعدادهاى نهفته دانش آموز را بیدار و تقویت کند و از خود او کمک بخواهد، نه اینکه سعی کند به او بدهد و در مغز او فرو کند**

#### پی‌نوشت‌ها

1. Kindergarten
2. Gifts
3. Occupations

#### منابع

۱. کاردان، محمد علی (۱۳۸۱). سیر آرای تربیتی در غرب. انتشارات سمت.
۲. مایر، فردریک (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های تربیتی (ج ۱ و ۲). ترجمه علی اصغر فیاض. انتشارات سمت.
۳. شاتو، ژان (۱۳۷۶). مربیان بزرگ. ترجمه غلامحسین شکوهی. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
4. Armytage, w. h. g (1959). Friedrich Froebel. "A centennial Appreciation". History Of education journal, 10, no ¼, tenth anniversary issue, pp. 81-87.



دکتر عبدالامیر گیلک  
پژوهشگر تعلیم و تربیت